

نقطه مطلوب

یا راههای ارتباط معنوی با امام عصر (عج)

حسین کریمی زنجانی

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

۱۳۸۵

فهرست

سرآغاز: حرکت به سوی مطلوب ۱

فصل ۱: تمهیدات ارتباط معنوی با امام عصر (عج)

انگیزه‌ها ۹

خودسازی ۱۱

رعایت اوقات و حالات استجابیت دعا ۱۲

تأثیر زمان و مکان در استجابیت دعا ۱۵

الف) زمانها و اوقات مخصوص امام عصر (عج) ۱۵

ب) مکانهای مقدس ۱۹

حاصل گفتار ۳۳

فصل ۲: روشهای گوناگون ارتباط معنوی با حضرت صاحب الزمان (عج)

از طریق دعا برای حصول فرج ۳۵

الف) یک دعا با این همه آثار و برکات ۳۵

ب) چگونه برای فرجش دعا کنیم؟ ۵۸

۶۸	از طریق زیارت
۷۴	از طریق صلوات
۷۵	از طریق نماز
۸۳	از طریق استغاثه
۸۴	الف) آداب و شرایط استغاثه
۸۵	ب) وقت و عدد استغاثه
۸۵	از طریق عهد و پیمان
۸۹	از طریق نامه
۹۲	از طریق نذر
۹۴	از طریق هدیه
۹۶	از طریق بذل مال

سرآغاز: حرکت به سوی مطلوب

وزشهای ویرانگر و برخاسته از هواهای مسموم ماتریالیسم و تا حدی مدرنیسم، و بسیاری از ایسمهای دیگر، بر باورهای اعتقادی و اجتماعی مردم لطامات جبران ناپذیری زده‌اند و نظام دلپذیر حرکت به سمت کمال مطلوب را برآشفته‌اند.

این ورزشها که عمدتاً از آفاق قرون جدید به حرکت در آمده‌اند، پس از نیرو گرفتن از تمایلات سنت سبتیزانه اجتماعی، در راه‌زدن بر باورهای مردم، همان کاری را انجام داده‌اند که طوفانها با جاده‌ها؛ که سیلها با راهها. گردش کج‌مدار چرخ زمانه، اکنون در سیر سریع و شتابناک خود، کل مجموعه جهان - به استثنای اندک جاهایی از آن - را به سمت و سویی کشانده است که جهانیان یکسره از یاد برده‌اند که اگر در حرکت بوده‌اند، به کدامین سمت، و اگر باز ایستاده‌اند، وقوع چه واقعه‌ای را در خیال می‌پرورده‌اند.

مردم مدام از خود می‌پرسند: به کجا می‌رویم، چه می‌کنیم و چرا به بیراهه افتاده‌ایم؟

چگونه است که عرصه‌های خشک و زمخت تکنولوژی و جریانهای رام و روان

ارتباطات، اتفاقاً سازگار افتاده‌اند تا به راهزنی صراط مستقیم آرامش و آسایش خلق کمر بندند؟ ظاهر آن است که خانواده جهانی، در زیر سقف واحد ارتباطی، می‌بایست نزدیک‌تر و مهربان‌تر شده باشند؛ اما در واقع چنین نیست. آنچه می‌بینیم، جز این نیست که دلها از هم گسسته می‌نمایند و جانها بیقرار و وحشتزده، جای امن و آسایش نمی‌یابند؛ تا آنجا که جمعیت شش میلیاردی جهان، به گله‌های بی‌شبانی مانده‌اند که بر شانه‌های سرد و تاریک زمین رها شده‌اند.

این رمندگی و رهایی، که گاه با خوشباشی نیز همراه شده، و این سرگردانی و بی‌درکجایی، که گاه با فروپاشی فکری هم‌عنان گردیده، باعث آمده است که هر کسی راهی را در پیش گیرد و هر تنی، پناهی ویژه برای خویش جست‌وجو کند. گروهی به زران‌دوژی و جمع مال، برخی به ولنگاری و اعتیاد، انبوهی به مستی و میخوارگی، عده‌ای به شرط‌بندی و قمار، جمعی به موسیقی و رقص، و اکنون بیشترین شمار جوانان به جست‌وجو در اینترنت و به سیر در مجراهای ارتباطی رایانه‌ای روی آورده‌اند. اما نتیجه در همه جا منفی بوده است. گویی درخت بی‌ثمر آرزوهای مردم از دانه‌های تلخ به بار آمده باشد؛ از هیچ شاخه آن نمی‌توان میوه‌ای چید. مآقرنها شاهد بوده‌ایم که نه در عصر عیاری، نه در زمانه قلندری، نه در بحبوحه هیپی‌گری و نه امروز، در هنگامه اینترنتی، در پس صحنه‌های جست‌وجو چیزی به هم نمی‌رسیده و نرسیده است و در نهایت، آن پرسش همیشگی، همچنان باقی مانده است که: «مردم ز که جویند نشان سحری را؟»

اگر عالمانه و به دور از تعصب در حالات شخصی و گروهی انسانها تأمل و تعمقی کنیم و از نزدیک مسائل فردی و اجتماعی آنان را بررسی کنیم، خواهیم دید که غالباً در حیرت و سرگردانی به سر می‌برند. برای رستگاری و یافتن راه نجات و گشودن مشکلات خود، دست‌وپایی می‌زنند؛ ولی اغلب نه تنها نتیجه‌ای

عایدشان نمی‌شود، بلکه بر مشکلاتشان نیز افزوده می‌گردد؛ چرا که می‌بینند کلوپهای شبانه، باشگاههای رقص و آواز، سالنهای سینما و تئاتر، و حتی میدانهای رو به تزاید ورزشی، به دلیل بی‌محتوایی و ناپایداری، نتیجه‌ای جز سرگرمی بی‌حاصل و گاه مشکل‌زا به بار نمی‌آورند. از این روست که بسیاری از جوانان عصر ما، هنگامی که ظرف حرف و حدیثهای مدیران جامعه خود را توخالی می‌یابند، به هر چیزی پناه می‌برند تا به خیال خود، لحظه‌ای از دنیا و شر و شورش بیاسایند. اگر قلندرانه زندگی می‌کنند، اگر بدن خود را با رنگهای تند نقاشی می‌کنند، اگر به قرصها و تزریقهای شادی‌آور و نشاط‌انگیز کاذب روی می‌آورند، اگر تن به عیاشی می‌سپارند، اگر در اعتیاد پناهی جست‌وجو می‌کنند، اگر در خلسه‌های موسیقی فرو می‌روند، اگر همچون مصروعی ناامید راه بیابانها را در پیش می‌گیرند، و اگر نهایتاً در پگاهی خلوت و در غروبی دلگیر، خود را از دار و درختی حلق‌آویز می‌کنند، به خاطر آن است که دستاوردهای عصر را در برابر خواسته‌های خود بی‌اعتبار یافته‌اند؛ و به خاطر آن است که از مجموعه حیات جوابی نگرفته‌اند؛ و به خاطر آن است که هیچ شخص و جریانی را قادر به حل مشکلات مادی و معنوی خود نیافته‌اند.

مجموعه این سخنها، حکایت از آن دارد که در پشت صحنه کارگاه زندگی، نقشهای دیگری جز آنچه دیده می‌شود، در کار جان گرفتن است و برای کشف حقیقت، به تلاش ژرف و گسترده‌ای نیاز است.

اکنون ای عزیزان، اگر باور دارید که بوستان خرم‌هستی، شادابی دیرینه خود را از دست داده است، و اگر می‌بینید که شاخ و برگ درخت زندگی را طوفانی ویرانگر به در هم شکستن و تباه‌شدن تهدید می‌کند، و سرانجام اگر بساط «زیستن» را در مخاطره می‌بینید، بهتر نیست که در اندیشه کشفی باشید که شما را به صراط مستقیم رهنمون سازد؟

ما بر مبنای آموزه‌های ماندگار و متین دینی و اعتقادی خویش، می‌پنداریم که باید طیف خیالهای سرگردان و سرخورده، به جانب کعبه دلآرام مقصود معطوف شوند. ما می‌پنداریم که دیر یا زود باید شاخه‌های طلب و جست‌وجو، به سوی شطّ خروشانی که راه دریا در پیش گرفته است، هدایت شوند. ما می‌پنداریم که چشمها را از نو باید شست و دوباره با نگاهی تازه، رو به سوی افقهای روشن، انتظاری خوش و خرم را آغاز کرد. یعنی که ما می‌پنداریم و بر این پندار اصرار می‌ورزیم که دنیای دیوانه دیوانه، با حضور بقیّة‌الله است که مدار خودمحور خویش را باز خواهد یافت، و او همان است که در باور شیعه اثنی‌عشری، «ولّی عصر»، «صاحب زمان»، «مهدی موعود»، «حجّت خدا» و «امام منتظر» نام گرفته است، و ما جمعیت خاطر را و آرامش خیال را و حلّ مشکلات را در انتظار شیرین ظهور او و در ارتباط معنوی با او جست‌وجو می‌کنیم؛ چرا که باور داریم امام عصر (عج)، روزی همچون نفس باد صبا همه چیز را زنده و باطراوات خواهد کرد. او جان و جهان را و زمین و زمان را حیاتی تازه خواهد بخشید و نظام آشفته عالم را دیگرگونه خواهد کرد. پس می‌توان فارغ از آشوبهای جهان سخت مادی، به دامن کسی آویخت که قادر است، بِإِذْنِ اللَّهِ بر تمام سرگردانیه‌ها و بی‌سروسامانیها و مشکلات بشریت فایق آید، و قدرت آن را دارد که بِإِذْنِ اللَّهِ در پرده غیب هم مشکلات مادی و معنوی انسانها را برطرف سازد. هم‌اکنون امام عصر (عج)، هرچند در پرده غیب به سر می‌برند، ولی نقش آفتاب را دارند که در پشت ابرهای متراکم هم کارساز و ثمربخش و نیروآفرین است. اگر انسانها قابلیت داشته باشند و خواهان ایجاد ارتباط معنوی با امام زمان خود باشند، بی‌شک به خواسته خود نایل خواهند آمد.

این سخن را به گونه دیگری نیز می‌توان طرح کرد. امروزه در کره خاکی، انسانهای بیشماری هستند که در وجود خود احساس ناراحتی و ناامنی می‌کنند؛

می‌فهمند که خوشنود نیستند و جهان را جای امن و آسایش نمی‌یابند. آنها درک می‌کنند که قرار و آرامی ندارند، پژمرده و افسرده هستند؛ اما علت و منشاء این افسردگی و بیقراری و ناامنیهای فردی و اجتماعی را نمی‌دانند. تنها می‌بینند که همه چیز و همه وسایل زندگی را فراهم نموده‌اند، ولی با این حال خوشنود نیستند و زندگی را به کام خود نمی‌یابند. ما معتقدیم که سعادت و خوشبختی انسانها، در نزدیکی به خدا و اطاعت از اوامر و نواهی او خلاصه می‌شود. هرکس خدا را محور زندگی خود قرار دهد و در جهت جلب رضایت او قدم بردارد، زندگی‌اش گوارتر و راحت‌تر و پایدارتر و معنادارتر و خوش‌عاقبت‌تر و امن‌تر خواهد بود؛ و هرکس از راه خدا دوری‌گزیند و از گناه و آلودگی اجتناب نکند، در نهایت، اسباب گرفتاری، بیچارگی، ترس، اضطراب و بدبختی خود و جامعه را فراهم آورده است؛ چراکه گناه، به ذات خود ویرانگر و نابودکننده است:

- خوبیه‌ها را درو می‌کند و زشتیها را به ارمغان می‌آورد.

- آسایش را سلب می‌کند و ناامنی را به جامعه تحویل می‌دهد.

- آبادانیها را ویران می‌کند و خرابه‌ها را بر جای می‌گذارد.

- خوشیها را می‌گیرد و به جای آن، غم و غصه تحویل می‌دهد.

- زیباییها را از چهره‌ها می‌زداید و زشتی و پلشتی را ظاهر می‌سازد.

ما همچنین - و علاوه بر آنچه آمد - به درستی معتقدیم که امام عصر (عج)

واسطه فیض الهی هستند و همه فیوضات ربّانی به واسطه وجود مقدس ایشان به بشریت ارزانی می‌شود.

عزت، سعادت، آسایش، آرامش، عاقبت به خیری و رستگاری، در رضایتمندی او تحقق می‌یابد و رضایت او هم در اطاعت از اوامر و نواهی خداوند خلاصه می‌شود. آنان که با دوری از گناه و انجام اعمال واجب، در جهت رضایت خداوند متعال گام بر می‌دارند، در واقع خاطر امام زمان (عج) را خوشحال کرده‌اند؛ ولی

کسانی که به انجام واجبات و ترک محرمات واقعی نمی‌نهند، با اعمال خود، دل امام را محزون و غمگین می‌سازند؛ چرا که او عین‌الله است و بر همه اعمال و کردار ما نظارت دارد.

در راستای مطالب پیش‌گفته، ضرورت ارتباط معنوی با حضرت قائم (عج) مفهوم پیدا می‌کند؛ چرا که از ارتباط تقرب حاصل می‌شود و از تقرب سنخیت پیدا می‌شود و از سنخیت هم کمال تحصیل می‌گردد. پس اولاً طالبان کمال، برای تحصیل کمال راهی نزدیک‌تر از تقرب به حضرت قائم (عج) و ارتباط معنوی با ایشان نخواهند یافت؛ ثانیاً به دلیل مأموریتی که حضرت صاحب (عج) دارند و به دلیل اقتداری که باذن‌الله از جانب حضرت معبود به آن وجود مقدس تفویض گردیده است، تمام کسانی که از گرفتاریهای دنیایی خود رنج می‌برند، می‌توانند رفع گرفتاری خود را از آن وجود مقدس طلب نمایند.

نگارنده، با تحریر دفتری که در پیش رو دارید، آرزو مند است ثمره آن ندای باطنی انسانها را به سوی امامشان معطوف دارد و از همگان بخواهد ضمن دعا برای فرج آن حضرت، به نحوی با آن وجود مقدس ارتباط معنوی برقرار سازند که هم گرفتاریهای آنان برطرف شود و هم موجبات ارتقای معنوی خویش را فراهم سازند. مگر نه آنکه او امام است و باذن‌الله قدرت انجام هر کاری را دارد و از گرفتاریهای ما نیز آگاه است؟ پس بیایید همگی آیه ذیل را زمزمه کنیم:

«يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَ أَهْلْنَا الضُّرَّ وَ جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ.»^۱

(ای عزیز! ما و خاندان ما را ناراحتی فرا گرفته و متاع کمی با خود آورده‌ایم. پیمان را برای ما کامل کن؛ و بر ما تصدق و بخشش نما؛ که خداوند، بخشندگان را پاداش می‌دهد!)

آورده‌اند که دو کبوتر در باد، و پیش از دمیدن سپیده، روی در مطلع الشمس بال می‌زدند. یکی دیگری را گفت: مگر نه اینکه خورشید به زودی خواهد آمد و به جانب ما راه خواهد سپرد؟ پس، از چیست که ما خود سراسیمه به آن سوی در حرکتیم؟ و آن دیگری پاسخ داد: همچنان است که تو می‌گویی؛ اما تو خود می‌دانی و من هم می‌دانم که نفس حرکت به سمت نقطه مطلوب، تلاشی است که به زندگی معنای واقعی می‌دهد. من و تو می‌دانیم که خورشید، دیر یا زود سر خواهد زد؛ اما اگر در هوای بر آمدن او بال نزنیم، چه کنیم؟

و موعود آل محمد خورشیدی است که دیر یا زود از افق آخرالزمان طالع خواهد شد و دنیا را روشن خواهد کرد؛ چه بنشینیم و چه برخیزیم. اما از کبوتران بال‌زننده در باد بیاموزیم که حرکت به جانب نقطه مطلوب، عین زندگی است. پس خوشا حرکت!

حسین کریمی زنجان